



تیتراهای امروز

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: شهید العاروری چگونه به کابوس صهیونیست‌ها تبدیل شد؟

شیخ مجاهد حماس

■ نتایج‌ها از تریس پاسخ مقاومت به وزیرایش دستور داد از اظهار نظر درباره ترور شهید العاروری اجتناب کنند



رئیس دانشگاه هاروارد به خاطر جلوگیری نکردن از اعتراض دانشجویان این دانشگاه علیه جنایات رژیم صهیونیستی، مجبور به استعفا شد

هاروارد زیر

چکمه صهیون

شورای رقابت فرآیند محاسبه و ابلاغ قیمت خودرو را به سازمان حمایت واگذار کرد

قیمت‌گذاری

به صمت رسید

سردرگمی و کلافگی هواداران پرسپولیس از استغفاهای تکراری یحیی گل محمدی

خسته از قهر

یادداشت

شهید العاروری؛ مردی که دست فلسطینی‌ها در کرانه باختری را پر کرد



ضاحیه جنوبی بیروت، از مهم‌ترین ترورهای فرماندهان و مسئولان گروه‌های فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی در چند سال اخیر بود.

العاروری اگرچه یک مسئول سیاسی در جنبش حماس بود اما کار خودش را از شاخه نظامی (القسام) آغاز کرد و در لیست ترور اسرائیل (خصوصا از چند ماه قبل از آغاز عملیات توفان الاقصی) قرار داشت که مقامات این رژیم از جمله بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز به آن تصریح کرده بودند. العاروری سال ۱۹۶۶ در روستای عاروره در رام‌الله متولد شد و مدرک فوق لیسانس خود را در رشته شریعت اسلامی از دانشگاه الخلیل گرفت و از همان مقطع با عضویت در جنبش مقاومت اسلامی (حماس) نقشی مهم در مبارزه علیه اشغالگران ایفا کرد که منجر به دستگیری او شد. العاروری چند سال را در زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر برد تا اینکه در نهایت سال ۲۰۱۰ با آزادی از زندان، از سرزمین فلسطین تبعید شد و به دنبال آن، به عضویت دفتر سیاسی حماس درآمد و سال ۲۰۱۷ به عنوان نایب رئیس حماس تعیین شد. العاروری به همراه شهید «احمد الجعبري» (جانشین فرماندهی گردان‌های القسام) از اعضای اصلی تیم مذاکره‌کننده برای مبادله اسرای فلسطینی با «گیل‌عادل شلیط» سرباز اسیر اسرائیلی در سال ۲۰۱۱ بود که در جریان آن، ۱۰۲۷ اسیر فلسطینی از جمله «یحیی سنوار» آزاد شدند.

با این حال به نظر می‌رسد تمرکز اسرائیل بر ترور شیخ صالح العاروری یک دلیل اصلی داشت و آن هم نقش پررنگ او در تسلیح کرانه باختری و تشکیل گردان‌های القسام در کرانه بود. العاروری همچنین یکی از نزدیک‌ترین فرماندهان جنبش حماس به جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان بود که نقشی اساسی در طراحی و اجرای عملیات توفان الاقصی (بزرگ‌ترین ضربه اطلاعاتی، امنیتی و نظامی به اسرائیل) ایفا کرد. او که نقشی معادل «یحیی سنوار» (رهبر شاخه حماس در نوار غزه) در کرانه باختری داشت، با آغاز برنامه بلندمدت و مهم تسلیح کرانه در سال‌های گذشته، اگر نتوانیم مهم‌ترین فرد ولی حتما یکی از مؤثرترین افراد بود که ثمره کارش را در یکی دو سال گذشته - خصوصاً پیش از عملیات توفان الاقصی - در این منطقه دیدیم.

ایران داغدار فرزندانش

بمب‌گذاری تروریست‌های کودک‌کش در نزدیکی گلزار شهدای کرمان

۱۰۳ شهید و ۱۸۸ مجروح برجای گذاشت

جنایت بدون مرز

صفحه ۲

■ پیام تسلیت رهبر انقلاب: بدانند سربازان راه روشن سلیمانی رذالت و جنایت آنان را تحمل نخواهند کرد چه دست‌های آلوده به خون بیگناهان و چه مغزهای مفسد و شرارت‌زا که آنان را به این گمراهی کشانده‌اند از هم‌اکنون آماج قطعی سرکوب و مجازات عادلانه خواهند بود

■ در پی این حادثه تروریستی هیأت دولت امروز پنجشنبه را در سراسر کشور عزای عمومی اعلام کرد



پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی حادثه تروریستی کرمان

سربازان راه روشن سلیمانی هم رذالت و جنایت آنان را تحمل نخواهند کرد. چه دست‌های آلوده به خون بیگناهان و چه مغزهای مفسد و شرارت‌زا که آنان را به این گمراهی کشانده‌اند، از هم‌اکنون آماج قطعی سرکوب و مجازات عادلانه خواهند بود. بدانند که این فاجعه آفرینی پاسخ سختی در پی خواهد داشت؛ باذن‌الله.

اینجانب در عزای خانواده‌های مصیبت‌دیده با

فاجعه آفریدند و جمع زیادی از مردم عزیز را در کرمان و در فضای معطر مزار شهیدان، به شهادت رساندند. ملت ایران عزادار شد و خانواده‌های زیادی در سوگ جگرگوشگان و عزیزان خود غرق ماتم شدند. جنایتکاران سستگدل نتوانستند عشق و شوق مردم به زیارت مرقد سردار بزرگ‌شان شهید قاسم سلیمانی را تحمل کنند؛ بدانند که

حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای در پی شهادت جمعی از زائران مزار شهید سلیمانی در حادثه تروریستی در مسیر گلزار شهدای کرمان پیامی صادر کردند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، متن پیام رهبر حکیم انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم دشمنان شرور و جنایتکار ملت ایران، بار دیگر

یادداشت روز

کودک‌کشی از غزه تا کرمان

[عباد محمدی]

صفحه‌های مجازی را که باز می‌کنم، کثرت خبرها و انبوه واکنش‌ها به ذهنم حمله می‌کند. درست مانند ۲ بمب جاسازی شده در جمعیت، رشته‌های روانم از هم متلاشی می‌شود. از نخستین تصاویری که با آن مواجه می‌شوم، تصویر کودک بر زمین افتاده است. کودک ایرانی که سبزی وجودش را به سرخی شهادت واگذار کرده است! هر چه می‌اندیشم، تصویر برابم آشناست؛ گویا تصویر «کودک شهید» را پیش از این هم دیده‌ام. آنجا که پاسداری، کودک شهیدی را پس از حمله تروریستی اهواز در آغوش کشیده است؛ امدادگری، کودک شهیدی را از صحن شاهچراغ بیرون می‌برد، یک بسیجی ناجی می‌شود و «عماد» را از مجلس تا بیمارستان می‌رساند اما تصویر کرمان یک تفاوت دارد؛ در دیگر تصاویر یک پاسدار، یک امدادگر، یک بسیجی در میدان هستند که نگذاشته‌اند این کودکان شهید بر زمین بیفتند، پس چرا این تصویر بر زمین افتادن کودک کرمانی، چنین آشناست؟ یادم افتاد؛ غزه کودک شهید در کرمان، درست شبیه کودکان غزه بر زمین افتاده است. اگر از مغایرت نام و رنگ لباس‌های‌شان عبور کنیم و اصطلاحاً آنها را فاکتور بگیریم، همه این شهدا مشترک هستند در کودک بودن!

لحظاتی بعد تصویر زن امدادرسان منتشر شد؛ او هم به جمع شهدا پیوسته است، تصویر شهید امدادرسان هم بسیار آشناست، دقیقا مثل غزه! اگر کسی گفت چند خبرنگار، چند مرد کارگر، چند پزشک یا چند دانشجو هم در جمع شهدا هستند، تأسف بخورید اما تعجب نکنید. راستی! کسی از آمار زنان به شهادت رسیده خبر دارد؟ آخر دشمن مشترک انسان‌ها، بر کشتن زنان و کودکان سماجت دارد و متمرکز است.

صدای انفجار در تراکم‌ترین امکان کرمان می‌پیچید، درست مثل غزه! هنوز کسی ویدئوی استقامت مردی در مواجهه با بدن بی‌جان کودکش را منتشر نکرده است؟ درست مثل غزه... یا چهره مادری که حالا جانی در بدن ندارد تا وضعیت وخیم فرزند مجروحش را فریاد بزند. چقدر انسانیت مظلوم شده است! اگر اضطراب در چشمان‌مان نقش بسته، برآمده از رواج سکوت مدعیان در برابر ظلم است. انسان‌کشی رسمی است که تنها از گروهی بربر برمی‌آید که چند دهه است خود را به غریب‌ترین نقطه آسیا رسانده‌اند. آنها نمای انسانیت را هم کاریکاتوری کرده‌اند اما این اندوه جانفرسا قرار نیست برای دیگران رضایت به همراه داشته باشد، بلکه سرآغاز بیداری بشر است.

یکی از کاربران نوشته بود: «هراس دارند از زائرانت؟» اما براستی این‌ها هراس از چه جنس است؟ پاسخ در نوع رفتار تروریست‌ها نهفته است. به نظر نگارنده ماجرای دشمنی با کودکان به آن نماز جماعت بازمی‌گردد؛ همان لحظه‌ای که فرزند شهید با شاخه گلی خود را مقابل حاج‌قاسم می‌رساند و دست شهید سلیمانی را بر می‌کند. تروریست‌ها از آن لحظه‌ها و لحظه‌های بعدش هراس دارند. هراس دارند از آن لحظه‌ای که شهید سلیمانی دست مردم مظلوم را بر می‌کند؛ درست مثل غزه. رهبر معظم انقلاب فرموده بودند: «این مرد [شهید سلیمانی]، دست فلسطینی‌ها را بر کرد؛ کاری کرد که یک منطقه کوچک، یک وجب جا مثل نوار غزه در مقابل رژیم صهیونیستی با آن همه ادعا می‌ایستد.»

برخلاف وضعیت دشمن صهیونیست که پس از عملیات ۱۷ اکتبر دچار تشویش و عصبانیت شده و در تلاش است دنیا را به سمت تشویش و ارباب پیش ببرد، در مقابل، جامعه‌ای قرار گرفته است که بر اساس عقلانیت رفتار می‌کند، لذا در این مسیر عجله نمی‌کند و اسیر احساسات و هیجانات نمی‌شود. سربازان راه روشن سلیمانی آماده انتقام هستند.

به نظر می‌رسد ماجرای رفتار صهیونیست‌ها در «کودک‌کشی» را نیز باید در همین حیطه دید و تحلیل کرد. جامعه‌ای عقلانی به نام مقاومت در منطقه شکل گرفته است. صهیونیست‌ها پس از عملیات ۱۷ اکتبر تا امروز حتی نتوانسته‌اند یک اسیر خود را آزاد کنند و حتی آنجا که به اسرا نزدیک شده‌اند، آنها را به هلاکت رسانده‌اند. در این شرایط بسیار قابل پیش‌بینی بود که دشمن در فکر اجرای عملیات‌های خرابکاری در سطح منطقه باشد. ترور زائران حاج‌قاسم در کرمان از نمونه همین اقدامات است؛ نمونه‌ای تام از رفتار وحشت‌زده و عصبانی که دوباره باید نوشت: «از زائرانت هم هراس دارند.»